

با شکست ارتش عراق در عملیات بیت‌المقدس، جایگاه سیاسی دشمن در جهان متزلزل شد؛ عملیات رمضان در حال شکل‌گیری و انجام بود که موضوع برگزاری کنفرانس سران غیرمتعهدها در بغداد مطرح شد تا صدام حسین رئیس این اجلاس باشد. به گزارش مشرق، جمهوری اسلامی ایران سیاست بی‌اثر کردن این اجلاس را در دستور کار خود قرار داد و در اولین گام، اجلاس غیرمتعهدها را تحریم کرد. بغداد از مدت‌ها قبل به کمک آمریکا به دژ نفوذ ناپذیری تبدیل شده و تبلیغات بسیار وسیعی در این رابطه به راه افتاد و عنوان شد «هیچکس توانایی ناامن کردن پایتخت عراق را ندارد».

در این زمان بود که ایجاد ناامنی در بغداد در دستور کار نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی قرار گرفت تا ضمن هدف قرار دادن تأسیسات پالایشگاهی «الدوره» در جنوب شرقی این شهر، از برگزاری نشست سران غیرمتعهدها در بغداد نیز جلوگیری شود. انجام این مأموریت به نیروی هوایی ارتش واگذار می‌شود و سرهنگ خلبان عباس دوران برای جلوگیری از تشکیل کنفرانس سران غیرمتعهدها در بغداد، در تاریخ بیستم تیرماه سال ۱۳۶۱ مأموریت یافت تا پایتخت عراق را ناامن کند.



خلبان شهید عباس دوران مجری عملیات استشهادی در بغداد

با توجه به اهمیت فوق‌العاده موضوع، شش تن از برجسته‌ترین خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سه فروند هواپیمای فانتوم برای انجام این مأموریت در نظر گرفته شدند تا ناتوانی رژیم بعث در تأمین امنیت آسمان بغداد به جهانیان نشان داده شود.

خلبانان انتخاب می‌شوند. تصمیم بر این بود تا سه فروند فانتوم کاملاً مسلح به پرواز درآیند، هر سه، تا مرز پرواز کرده و تنها دو فروند از مرز گذشته و به هدف حمله‌ور شوند.

فانتوم سوم در همان جا منتظر می‌ماند تا در صورت نیاز به آنها بپیوندد. مأموریت خلبانان، انجام عملیات روی بغداد و بمباران پایگاه، نیروگاه اتمی، پایگاه الرشید یا ساختمان اجلاس در این شهر بود.

ساعت ۵:۳۰ صبح سی‌ام تیرماه ۶۱ مأموریت آغاز شد در حالی که فانتوم شماره یک، رهبری گروه پرواز را بر عهده داشت. حرکت گروه پرواز از شرق بغداد به جنوب شرق آن شهر و سپس «پالایشگاه دوره» پیش‌بینی شده بود. خلبانان می‌بایست پس از عبور از مرز و ناامن کردن آسمان بغداد، به انجام مأموریت خود بپردازند و این در حالی بود که پیشرفته‌ترین تجهیزات پدافند هوایی از آسمان این شهر حفاظت می‌کرد.

عباس دوران در نامه‌های مربوط به این مأموریت، مقابل اسم پدافندهای مختلفی که عراق از کشورهای اروپایی خریده بود، نوشته است: «نود درصد احتمال برگشت نیست».



سه فروند جنگنده فانتوم تا مرز پرواز می‌کنند، یکی از آنها جدا شده و دو فروند دیگر به فرماندهی سرهنگ دوران، وارد خاک عراق می‌شوند.

جنگنده‌ها تا ۱۵ کیلومتری بغداد بدون هیچ مشکلی پیش می‌روند تا اینکه در این نقطه، با دیوار آتش و پدافند دشمن روبه‌رو شده و در همین فاصله چند گلوله به یکی از هواپیماها برخورد می‌کند.

با اصابت این گلوله‌ها، موتور سمت راست هواپیمای دوران از کار می‌افتد اما او باز هم تصمیم به ادامه عملیات می‌گیرد.

بنابراین هواپیماها به سمت جنوب شرقی شهر بغداد که پالایشگاه «الدوره» در آنجا بود، ادامه مسیر داده و با این که پدافند دشمن بسیار قوی عمل می‌کرد، تمام بمب‌ها را روی این پالایشگاه تخلیه می‌کنند. جنگنده‌ها پس از تخلیه بمب‌ها به مسیری ادامه می‌دهند که در نهایت به سالن کنفرانس سران غیرمتعهدها ختم می‌شد. پالایشگاه به شدت در آتش می‌سوخت و دود ناشی از سوختن پالایشگاه، فضا را پوشانده بود و تا این لحظه عملیات کاملاً موفقیت‌آمیز به پیش می‌رفت. در این زمان قسمت عقب هواپیمای دوران نیز مورد اصابت چندین گلوله ضدهوایی قرار گرفته و از بین می‌رود. هواپیما آتش گرفته و عباس از خلبان عقب (منصور کاظمیان) می‌خواهد که هواپیما را ترک کند و وقتی جوابی نمی‌شنود، دکه خروج اضطراری کابین عقب را زده و کاظمیان به بیرون پرتاب می‌شود. فرمانده گروه در این لحظه طبق گفته‌های قبلی خود، تصمیمی مبنی بر ترک هواپیما ندارد. وی بارها گفته بود: «اگر هواپیما بال نداشته باشد خودم بال در آورده و بر سر دشمن فرود می‌آیم و هرگز تن به اسارت نخواهم داد».



شعله‌های آتش هر لحظه شدیدتر و ارتفاع هواپیما نیز هر لحظه کمتر می‌شد تا اینکه هتل محل برگزاری اجلاس غیرمتعهدها پیش روی خلبان قرار گرفت. به سوی هتل حرکت کرده و هواپیما را (درحالی که هنوز هدایت آن را برعهده داشت)، به ساختمان آن می‌کوبد. این اقدام شهادت‌طلبانه عباس دوران در ناامن ساختن آسمان بغداد، موجب شد تا برگزاری این اجلاس از بغداد به دهلی نو منتقل شود.

بقایای پیکر پاک امیر الاستشهدادیون، خلبان عباس دوران بعد از ۲۰ سال در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۸۱ به کشور بازگشت و در زادگاهش (شیراز) به خاک سپرده شد.

منبع: <http://www.tabnak.ir/fa/news/267670>